

انصاری هرمز ۱۳۱۴ -

"از" بودن "به" شدن"

هرمز انصاری

طراحی: پویا آریان پور

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۰

"برای آنان که می اندیشدند"

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

۸۰ص

استفاده یا به اشتراک گذاری مطالب کتاب با ذکر منبع بلا مانع است

www.Hormozansari.com

برای آنان که می اندیشند

از

بودن

به

شدن

...

پیش سخن

“انسان” شدنی است،

همه چیز شدنی است -

همه چیز از “بودن” به “شدن” می رود.

همه چیز در خود،

در بودن خود،

آن چه را باید باشد

می پرورد.

عامل شدن دو چیز است:

درونی و بیرونی

عوامل بیرونی

به اعتبار عوامل درونی

اثر می گذارند.

“انسان” با سایر موجودات

فرق دارد -

فهم دارد و اراده دارد

هر چه فهمش بیشتر باشد

عوامل درونی و عوامل بیرونی را

بهتر می شناسد.

هر چه فهم و اراده اش بیشتر باشد

به عوامل بیرون و عوامل درون

مسلط تر است -

بهتر آن ها را راه می برد.

هر چه در هستی هست
در حرکت است،
اثر می پذیرد،
و اثر می گذارد.
اثرپذیر در تغییر است،
اثرگذار در تغییر است،
رابطه بین اثرپذیر و اثرگذار نیز،
در تغییر است.
دانش ما در آن است که
ببینیم چه هست.
دانش و درایت ما در آن است که
ببینیم چه می شود.
رسالت ما در آن است که ببینیم
چه گونه می شود،
از "بودن" به "شدن"
سهم بیشتری داشت.
در این کوچک کتاب -
مثل سایر نوشته های نویسنده -
آن چه را باید باشد
و می تواند باشد
می گوید "هست"
همه می دانیم -
آن چه که هست
دیگر عمرش را کرده است

و آن چه می بایست باشد
با خواست به روز رسیده
و اندیشه پرتوان
و احساس دوست داشتنی شما
ساخته خواهد شد.

این کتاب دنباله کتاب های
پانزدهم - "روی پاکت ها"
و بیستم - "خُسن شناسی" است.
هر کدام از نوشته ها روی یک پاکت بوده
که نویسنده به عزیزی داده است.
در هر نوشته، خصال والای دریافت کننده
ستوده شده است،
به مناسبت های نوروز، تولد، ازدواج و ...
تبریک گفته ایم -
و متأسفانه - به دور از همه - گاهی تسلیت.
که امیدوارم همواره
به عزیزان خود تبریک بگوییم.
و از خواننده انتظار دارد، نوشته های این کتاب را،
با گنجینه های خود، غنی تر و غنی تر کند.

۸۹/۱۱/۲

* برای آن کس
که با چشم دل دیده ام
و چشم پیشانی
لحظه شمار دیدار اوست.

* "قلم" در دست تان پرتوان باد
که اندیشه تان پرتوان است،
احساس تان لطیف
روح تان پاک
قامت تان راست،
گام تان استوار.

* دانه دانه
دانه های پرورده
عشق و اندیشه "رضا" را
در جای جای باغچه دل مان کاشتیم و
سید سید
گل های پرورده آرزوهایمان را
سرخ فرش خوشامدنش.

* به دختر بالیدنی مان -

همواره بالیده ایم و

او، با بال های پرتوان بالنده اش،

پیوسته

آسمان های ناشناخته اندیشه را و

افق های نادیده عشق را

پیموده است.

* ستاره های بخت

بر بام زندگی تو می رقصند،

خورشید عشق

بر پنجره های دل تو می تابد -

ستاره ها را به میهمانی خورشید بخوان.

* به دامان پُرگل مهر

به آغاز بودن،

به صفای زندگی،

به آواز سینه های صاف

به ترنم نغمه های دل.

به مظهر همهٔ پاکی ها،
به آینهٔ همهٔ زیبایی ها،
به سرچشمهٔ عشق،
به خورشید صفا،
به اقیانوس آرام،
به آن کس که

تاریخش ورق می خورد

تا تاریخ را ورق بزند -

تولدش را - تبلورش را - تبریک می گویم.

بیست و پنجم بهمن ماه

* برای گلزار عزیز
که شوره زارها را -
با لطافت رفتارش -
"گلزار" می کند؛

آینده ای
به بلندای روح بلندش،
به پرفیایی دل پرمهرش،
به روشنی اندیشه و نگاهش آرزو دارم.

* لبخند همیشگی ات را،
چهره گشاده ات را،
زنگ صدایت را،
آواز دلت را،
ساز پرشورت را
دوست دارم.

* برای
قصر بلند آینه
آینه ای
که زیبایی های پنهان زندگی را
آن گونه که هست می نمایاند.

* برای فرح
که فرح بخش زندگی است
با نگاه شور زندگی می آفریند و
با لبخند زندگی را زنده می کند و
با کار به آن شکوه و زیبایی می دهد.

* برای

دلارامی

که آرام دل است.

چهره اش

از زیبایی های درون حکایت دارد و

زیبایی رفتارش

درس آموز دگران.

* برای عزیزی که

نگاهش،

لبخندش،

سخنش،

متانتش

و در یک کلام

“رفتارش” درس آموز است.

* زندگی تان همواره “شیرین” باد

که نگاه تان شیرین است،

کلام تان شیرین است،

و دست های هنرمندان؛

کام همه را شیرین می کند.

بال های تان باز؛

باز باز

بر فراز ابرهای سپید زندگی.

چشم های تان روشن؛

به روشنی پرتو مهر.

پیوندتان پایدار؛

به پایداری چشمه حیات.

* هستی

حرکت است،

زندگی

حرکت است،

انسان

حرکت است

و تو،

سیما جان

انسانی پرتحرک هستی

که همه چیز را

به جلوتر و بالاتر می رانی.

تعالی زندگی

مدیون دست و دل و تلاش توست.

* چهره اش دوست داشتنی است،
نگاهش مهربان،
کلامش شیرین
قلمش توانا،
قامتش راست.

و نامش
بیانگر
بیانش:
"شیوا".

* آرزوهای مان را
به هم پیوند زدیم
تا
به پیوند پایدار
شهرزاد و فرشاد
رسیدیم.

* شاخه گلی فرستادم
تا "گل" بودن را
یاد بگیرد.

* شهر را که بگردی،
کشور را که بگردی،
دنیا را که بگردی،
فقط یک شهرزاد می بینی؛
شهرزادی
که قصه های شیرین زندگی را در سینه دارد
و به دست و دیده و زبان می سپارد.

* ما نیاز داریم
زنگ صدای تو را بشنویم؛
واژه های پرمهرت را
در ساختارهای با محبت.
اما،
تو در سکوت هم دل انگیزی -
با نگاهت،
با حرکات سر و دست و پایت،
با هنر آفرینی ات.
تو،
"فرح" انگیز دنیاهای بزرگی.

* برای قصر آینه ای -

که

آن چه را هست

آن گونه که هست می بیند و

آن گونه که باید باشد،

به تصویر می کشد.

* دست هایش می بیند،

چشم هایش حرف می زند،

نگاهش از کوه و دره و دشت می گذرد

آن را می بیند

که باید دید -

“آینده” را.

* “نسترن” همواره برای من

- در نام بردن از گل -

مثال زدنی بوده است؛

آنهم “نسترن صورتی”

سرسبز باشی و لپ سرخ.

* برای چهرهٔ پرفیایی
که از نگاه و کلامش
استواری می بارد و توانمندی،
زمین را دوست دارد،
آسمان را،
آب را
حیات را -
و با زندگی
عشق می کند.

* "گل" را با واژه معنا نمی کنند؛
گل خود می بوید.
اگر شاخه شکست
و گل ما به خاک افتاد،
بوی خوش آن
همهٔ فضاها را پر کرده است -
شمیم لبخندهای از دل خاسته اش.
"محمود" را با نام معنا نمی کنیم -
زندگی او را معنا کرده است،
ستوده است،
ستایش کرده است.

* با قدرت و درایت

توسن سرکش "فردا" را
از اصطبل "دیروز" بیرون کش
دست نوازش بر سر و گوشش کش،
نقل و نبات بر دهانش ریز،
رامش کن،
لگامش زن،
و زین سواری بر پشتش

و ببین

در هوای آزادِ سرزمین های سبز
راکب و مرکوب یکی شدن
و با تاخت رفتن
چه لذتی دارد،
چه صفایی.

* به مرد بزرگی

که با روی "زنده" زندگی
زندگی می کند -
به ناصر قلی.

* آرزو دارم

همواره

از شور و حال و دانش و جوانی شما -

در خدمت به این سرزمین

و مردم به پاخاسته اش -

بهره جوییم.

* امیدوارم،

همواره،

چون گل

پر طراوت باشی و گل رو و گل بو.

* به آن کس

که از تولد دوست داشتنی بوده است و

پیوسته دوست داشتنی تر شده -

به آن کس که با "مهر" زاده شده است.

* برای رضا

که نه فقط استعداد کاریش

بل رفتارش

درس آموز است

* با تبریک،

تولدِ تازه،

آغازی تازه -

آغازِ پا نهادن در دنیایی

که سال ها آرزویش را داشته ایم -

دنیای به اوج رساندن شور و شوق،

با هم بودن،

یکی بودن،

اندیشیدن،

کار کردن.

* برای آن که

عشق را می پرورد و

اندیشه را می سازد و

راه های بسته را می گشاید.

* برای نازنین

که بسیار هم نازنین است،

آینده ای

به بازی چهرهٔ بازش،

به روشنی نگاهش،

به زیبایی رفتارش

آرزو دارم.

* برای پرندگان عشق
عشق به انسان،
عشق به زندگی،
عشق به هستی -
به بودن،
به پرواز،
به آواز -
آواز زندگی.

* همواره
چهره ات باز،
لبت خندان،
دمت گرم،
دلت پرنور،
سرت پرشور،
دستت آزاد،
گامت استوار
باد.

* با امید پیوندهای پربارتر لحظه ها.

* این،

زیبایی های درون است
که در نگاه و کلام تو می جوشد.

آن ها را

پاسداری کن،

غبار رویی

و

پرورش دایمی.

* برای "طیب" دوست داشتنی

که به مدد دانش به روز رسیده اش

با نگاه و لبخند

به اعتبار نیروهای درون

شفا می بخشد.

* بال های باز،

دل های پر امید

آسمان های صاف،

هوای تازه،

برای شما مسافران عزیز

آرزو دارم.

* برای

استوانه

مهربانی،

بردباری

فروتنی

عمری به بلندای آرزوهایش

آرزو می کنم.

* اثر گرمای دستت را احساس می کنی؟

من آن را احساس می کنم -

وقتی با کف دست

به پشت شانه ام می زنی که

برو،

دارم، با تو هستم،

همه نیروی جوانی ات

در گوشت و پوست و رگ و استخوانم می دود.

* برای نسیم

نسیمی از باغ بهشت -

بهشت آرزوهایش

آرزو دارم.

* کوه و دره و دشت را
آسمان و زمین و دریا را
تسخیر کردی.

این،
بر تو
مبارک باد
این،
توانمندی توست.
ولی،
تسخیر دل ها
دل هایی که به شوق دیدار تو می تپند،
امر دیگری است -

آن،
مباهات دارد.
و تو
رضای عزیز
آن توانمندی را
به این نیرومندی دادی.

* به استاد بزرگ آزاد اندیشی
که هر کلامش برای ما
دفتری بوده است.

* زندگی فقط یک نگاه است -
نگاه تو به زندگی.
و چه زیبا می بینی تو
زیبایی های دیدنی را.

* تو
بر زلف زندگی
شأنهٔ محبت کشیده ای
و چهره اش را
به آب دل شسته ای
و ما
به تماشای آن گیسوی افشان نشسته ایم و
سرمست تبسم آن چهره.

* تو نیاز نداری حرف بزنی؛
ما باید تو را بشنویم -
صدای دلت را
ندای فکرت را،
خروش درونت را.

* برای ستاره ای
که از زمین به آسمان رفته است -
برای کسی که
به زندگی کنندگان
“زندگی کردن”
می آموزد.

* دیدار می تواند “دیدن” باشد
اگر
دل خویش
در ناودان زبان جاری کنی.

* شیرینی
شیرینی ات را
از آغاز تولدت
با تمام سلول هایم چشیده ام.
“شیرین” باشی
که شیرینی زندگی ما
ز شیرینی توست.

* برای پیمان عزیز
که پی گیر و صادقانه
دنیای خود را بزرگ تر و بزرگ تر می کند.
و در هر گوشه آن
نهال محبت می کارد
آینده ای
به پرفشایی رفتارش
آرزو دارم.

* ارزش والای انسان در آن است که
خودش باشد،
خودِ خودش.
و این، "خود" است که باید بدرخشد،
نه روکش دست ساخت آن.
و تو،
هایده عزیز
هر چه هستی،
خودت هستی -
خودِ خودت.
و ارزش وجودی تو در همان است.

* "سازمان دهی"

بزرگ ترین امر
راه بردن زندگی امروزست.
سازمان دهی و سامان دهی اگر نباشد
ارزش ها گل نمی کنند،
بارور نمی شوند
و ارزش کار تو،
حبیب عزیز،
در آن است که
سازمان دهی می کنی،
سامان دهی.

* تو،

عمر آدم ها را بلند می کنی -
با غنای اندیشه،
لطافت احساس،
سرعت عمل.
"سرعت"، امروز، حرف اول را می زند؛
اگر
"عشق و اندیشه"
پیشاپیش آن راه باز نکند.

* برای

آلاله گلی

که با تبسم ملایم همیشگی اش
و با نگاه مهربانش
آرامش می بخشد و نشاط؛
صفای زندگی.

* برای

همه زیبایی ها -

زیبایی های درون و بیرون -
زیبایی های درون
که به بیرون می تراود
و زیبایی های بیرون
که به زندگی جلوه زندگی می دهد.

* برای

آن کس

که

آوای نرم دل پرمهرش
در گفتار گرم و شیرینش
شنیده می شود.

* وقتی نگاه سخن می گوید،

وقتی دست ها حرف دل می زند،

وقتی احساس زیر پوستِ چهره می دود،

دیگر، نیازی نداری بگویی:

“دوستت دارم.”

و من،

برای آرزو -

که دست و دل و دیده اش حرف می زند -

آن چه آرزو دارد

آرزو دارم.

* چشم هایت را هم که ببندی

می بینی -

و حس می کنی.

و من،

آن حس زیبای تو را

حس می کنم -

دوست دارم،

می ستایم.

* وقتی نگاه می کنی
گرمای نگاه پرمهرت
از پوست و گوشت و استخوان می گذرد،

بر دل می نشیند؛

در آن "خانه" می کند.
و دل، باز، می طلبد
آن چه را به او داده ای.

* برای آن کس که
نادیده ها را می بیند،
ناشنفته ها را می شنود،
ننوشته ها را می خواند.
به گل نشانِ باغچهٔ زندگی
به عاشق بچه ها و بزرگ ها،
به عاشق طبیعت و هستی.

* برای
تبلور همهٔ زیبایی ها
برای سارا -
که با نگاهش حرف می زند،
و با رفتارش درس می دهد.

* همه می خواهند "شهره" شوند،
شهره آن چه تو شهره آنی -

شهره
چهره پر نشاط
گفتار پر خنده،
رفتار پر صفا.

* برای شهران عزیز
که تبلور سادگی و صداقت و مهربانی است
که همه دوستش دارند و
همه را دوست دارد
آینده ای
پاسخگوی
همه آرزوهایش
آرزو دارم.

* به مژگان همیشه خندان؛
به لبخندی که
از ریشه جان نشأت می گیرد
به پیر و جوان،
کودک و نوجوان
آرامش می بخشد و نشاط زندگی.

* برای شاپرک عزیز

که شادی آفرین های روزگار را

هنرمندانه و استادانه

به آبشار بلند زندگی می سپارد

آینده ای

سرشار از هنرشناسی،

هنرستایی،

و هنرآفرینی،

آرزو می کنم.

* اخمش را

هرگز ندیده ام،

اما،

لبخندش را همواره.

او "تحفه" زندگی ماست.

زنگ صدایش

موسیقی نشاط آور است و

کلام روی زبانش

آوای زندگی.

برای بزرگ مردی چون تو
تحولی بزرگ
در هماهنگی احساس و اندیشه و بیان -
در مهر درون و رفتار بیرون -
آرزو دارم.

باشد که "چادر"

عشق و امید و همبستگی خاندان ما

به زعامت تو
سر بر آسمان سایید.

* برای "منوچهر"

به مناسبت

آغاز اولین روز بقیه زندگی اش
که مبارک باد.

* برای ابراهیم

که

پیوند می دهد

اندیشه ها را

احساس ها را

توان ها را

آدم ها را.

* اگر هوشیار باشی،
چابک باشی،
پرتوان باشی،
کاردان باشی،
مهربان باشی،
شجاع باشی ...
عقلت به کارت برسد
و به همه چیز و همه کس هم
توجه داشته باشی،
چیزی شبیه "فرخ" می شوی.

* برای آن کس که
در مهر خورشید است،
در هنر ستاره است،
در ورزش قهرمان است،
در درس ممتاز است،
و در "دوست داشتن"
دوست داشتنی ترین دوست داشته ها،
چهره ای همچنان خندان -
آرزو دارم.

با یاد

شیرین زبانی هایت،
خنده هایت،
مهرورزی هایت،
و با آرزوی دیدارهای دیگر
برای تو
و فرزندان پرتحرک دوست داشتنی ات
بوسه های مهر می فرستم.

* برای عزیزانی
که با بیان محبت های شان -
از دور و از نزدیک -
همواره دل ما را شاد کرده اند،
دنیایی به زیبایی دل های شان
آرزو دارم.

* غش غش خنده هایت
بلندتر و بلندتر باد -
لبخندت همیشگی
درونت که پرمهر و زیباست -
برونت را
همواره تر و تازه نگه دارد و پرصفا.

* به خداوند سادگی و صفا،
به دوست و همکار باوفا،
به چراغ تاریکی ها.

* برای شما - که پیوند پایدار می خورید
آسمان روشن،
هوای تازه،
دل شاد،
دست پر،
پای پرتوان
آرزو می کنم.

* به امیدم،
به آینده ام،
به آینده ساز پرتوان بالنده ام.

* فرخنده باد
آینده فرخنده ای
که زندگی مان را
فرخنده کرده است.

* برای او که

چهره اش خندان است،
دلش پرمهر،
قامتش استوار
زانوانش پرتوان ...

* از او

جز لبخند،
جز سخن پرمهر،
جز چهره باز،
جز صفای درون
جز دست نوازشگر
ندیده ایم.

* به آن کس که

از برق نگاهش محبت می بارد و
از هر کلامش صداقت.

* به انسان پرکار، با درایت، و با حسن نیت.

* با آرزوی
پرتوافشانی " پروین "
در آسمان اندیشه.
با آرزوی
شادابی،
سرپایی،
و موفقیت های درخشان او.

* به عزیزی که
پر قدرت است،
پراستعداد است
و
می رود که
احساس و اندیشه را پیوند زند
گیتای " بزرگ " درخواست های بلند.

* به مرد اندیشه و قلم،
به دوست دیرین.

* به دانشمند متواضع،
به دوست اندیشمندان و نوآوران،
به محقق و مؤلف و سخنور بزرگ.

* برای "ایرج" عزیز
که دل مشعل کرده است -
اندیشه ای پرتوان،
نیرویی بی پایان
و عمری جاودان
آرزو می کنم.

* به زیبایی،
به شادابی،
به صفا،
به پاکی،
به سادگی
به طراوت جوانی -
به "ترانه" ای که می رود
شادی آفرین همه دل ها گردد.

* به اسوه
درک و درایت و سازماندهی،
به نمونه
ایمان و اعتقاد و آینده نگری.

*

غمش مباد
بزرگواری که
خوبی هایش شهره آفاق است و
مهربانی هایش آفتاب عالم تاب.

* به "مادری" که

همچنان می درخشد و می خندد،
و استوار به سوی "آینده" پیش می رود.

* برای فرخنده عزیز - با ستایش

کاردانی اش،
مهربانی اش،
ایستادگی اش
و قهرمانی اش.

* زندگی ای

به بلندای آفتاب
به روشنایی خورشید
به گرمای مهر
برای تان آرزو دارم.

* برای هادی عزیز
هنرمند هنرشناس؛
که مشوق خلاقیت و آفرینش زیبایی است.

* و چه درس آموز است
“رفتار فرح” -
تا حالا، هر چه در تاریخ بوده است،
گفتار پیشاپیش رفتار آمده است،
و ما، فرح را می بینیم که
کردارش پیشاپیش گفتارش حرکت می کند.

* به استاد اندیشه و سخن،
به اسوه پاکی و صفا،
به دانشمند بزرگ.
* برای فرشاد عزیز،
فر و شکوه و شادی و بالندگی
آرزو می کنم.

* به آن کس که

از چشم هایش صفا می بارد
و از گفتارش صداقت.

* سفر خوب است،

به ویژه وقتی

“چشم انتظار” آدم باشند.

سفرتان به خیر،

قدم تان مبارک

و دل های تان -

دل دیدارکنندگان و دیدارشوندگان -

شاد، شاد، شاد.

* برای

آن که همواره

رفتار مهربانانه اش

درس آموز بوده است،

گام های بلند،

استوار،

و پیروزمند

آرزو می کنم.

* با امید دیدارهای بیشتر،
دریافت محبت های گرم تر
دست شما را می فشارم.

* به انسانی
با صفا،
متواضع
و متقی
که با درایت و کاردانی
به تربیت نیروی انسانی
همت گمارده است.

* "محمود"، همواره،
با مهربانی هایش،
با گذشت هایش،
و با یاری رساندن هایش
نگذاشته است کسی
از میدان مغناطیسی محبت او
بگریزد.

* کاش می شد

مهربانی را،

پایداری را،

بلندپروازی را

و چهره باز جهان بین را

مثل لباس خرید.

و من امیدوارم سهیل

این همه را که دارد

با دانش و درایت و پشتکار

در وجود انسان های دیگر نیز بیافریند.

* برای کسی که

احساس مسؤلیتش

درس آموز است.

* برای شما

توانی همسنگ آرزوهای تان

آرزو دارم.

* برای عزیزی که

نگاهش، لبخندش، سخنش، متانتش،

و در یک کلام

“رفتارش”

درس آموز است.

* سفری با بال های عشق،

شوق دیدار

و آرامش دل

برای تان آرزو دارم.

* برای “انسان پرشور” شادی آفرین مان

دنیایی به زیبایی زیبایی های درونش

آرزو می کنم.

* به انسانِ باصفا،

پرنشاط،

پرانرژی و

بسیار مطلع؛ به دوست بسیار عزیز.

* با آرزوی لبی خندان تر
چهره ای شادان تر
دستی گشاده تر
و خانه ای در بازتر

آن چه آرزو دارید
برای تان آرزو می کنم.

* با تشکر از همه مهربانی ها
و وفاداری ها؛
توانی فزاینده،
افقی روشن،
تنی سالم
برای تان آرزو دارم.

* برای عزیزانی که دیدارشان
غنیمت بود.

* لب تان خندان،
دل تان شادان،
پای تان کوبان،
و پرتوتان روشنایی بخش تاریکی ها.

* پرواز پرنده های "عشق"؛

عاشقان زیبایی و زندگی

در آغاز سومین سال

همبال شدن شان:

بر ما و بر آن ها

مبارک باد.

* هم شما را می شناسیم

و ستایش می کنیم؛

هم کار بزرگ

راه بردن فکری

مردم به پاخته را.

* برای بهنوش

سرچشمه پرآب مهر،

آفتاب بلند اندیشه،

سرزمین پهناور زندگی

آرزو دارم.

* خردمندی تان

دل شادی تان
و آرامش تان
آرزوی ماست.
اولین سالگرد پیوند پایدارتان خجسته باد.

* برای ستاره های "عشق و زندگی"

که می روند از آسمان های دور
بر ما پرتو افشانند،
دنیایی به زیبایی آرزوهای شان
به پرباری اندیشه های شان
آرزو می کنم.

* شادی تان جاودان،

پیوندتان پایدار،
دل های تان با هم

جان های تان یکی.

* و همه زیبایی های درون تو،

سپیده عزیز،
در چشمانت خوانده می شود.

* او، نه به آن چه ندارد؛
که جزو داشته های او نیست
بل، به آن چه دارد؛
که بسیار هم غنی است
فکر می کند،
برنامه می ریزد
و لذت می برد.

بر کوهی از مشکلات نشسته است و
دانه دانه
نشاهای "عشق و زندگی" را
با انگشتان زندگی آفرین خود
در خاک زیر پایش
می نشانند.

با نغمه گیتار
سکوت غم را می شکنند و
با لبخندی نشاط آور
عبوسی چهره ها را
هر لحظه زمان
برای او

دنیایی است از فرصت ها

و هر ذره وجود

غنیمتی است

از دست آوردها

او

آن چه را هست

باطل می شناسد و

به آن چه باید باشد

دل بسته است -

روی آن کار می کند.

تولدش مبارک

۸۹/۱۱/۲۵/۱۲

* برای عزیزی که

شهامت و

درایت و

محبت و

پایداری را

با هم دارد.

*

به بزرگواری که

اگر گشاده رویی هایش
و محبت های بی شائبه اش
نباشد

این جور شوق دیدارش
به پروازمان نمی آورد
و خود دیدارش "حال" تازه نمی دهد.

* وقتی اسم تو را می آورند،

یعنی

محبت، گذشت، فداکاری و دست و دل بازی.

* به تبلور

دانش و احساس و اندیشه،
به هنرمند ورزشکار دانش جو،
به هماهنگ کننده جسم و روان.

* زندگی ای به پرباری

"امید" های تان

آرزو دارم.

* زندگی ای

به شیرینی "عسل"،
به روشنی دلت،
به زیبایی رؤیایت
برایت
آرزو می کنم.

* با یاد
آن همه زیبایی
که با مهربانی های تان آفریدید؛
و سفر کوتاه ما را
پر از خاطره های شیرین و ماندنی کردید.

* راهی به سرسبزی حرفه تان،
بهاری به زیبایی احساس تان،
زندگی ای به تابناکی اندیشه تان
آرزو می کنم.

* آن کس که
به روی خاک صفا می بخشید؛
پرپر شد و زیر خاک سرد آرامید.
* عزیزان ما،

سال ها
باشید و
باشیم و
باشند؛

و "بچه"ها
با گرمای دل های پر امیدتان،
در پرتو اندیشه پرتوان تان،
"پوسته"ها را بشکافند و
در هوای "آزاد" به پرواز درآیند.

* هماره
درِ خانۀ
"عشق و شور و حال تان"
به روی عاشقان دیدارتان
باز باد.

* دنیایی سرشار از
عشق و امید و پایداری و پرتوانی
برای تان آرزو می کنم.

* برای عزیزی

که همواره و پیوسته
خواسته است
به "دیگری" یاری دهد؛
هر چند که دیگری
توان خواندن "درون" او را
نداشته باشد.

* اندیشه ای پرتوان،
دلی شاد،
دستی باز،
گامی استوار،
برای تان آرزو می کنم.
* برای
او
که اهرم سترگ تحول زندگی -
اهرم دانش و خرد
و اندیشه راه بردن خرد را،
در دست دارد.

با یاد خاطره های خوش همکاری مان

و حفظ گرمای محبت های تان؛
توفیق شما را
در آن چه مردم آرزو دارند
و شما سکان دارش شده اید -
آرزو دارم.

* "مهندسِ منظری" -
که پرشور و پر استعداد،
همه جا به چهرهٔ خاک
زیبایی می بخشید،
خود چهره درخاک کشید.

* پیوند پیوسته تان
چون آفتاب
بلند و پایدار و تابناک.

* ستاره های پر فروغ
آسمان پر ستارهٔ تو
همواره
نورافشان باد.
* متشکریم،
متشکریم.

از همه آنان که -

در این روزهای تلخ عبوس -

از هر جا که بوده اند،

با حضور در مراسم

نوشتن در روزنامه

فرستادن نامه و گل

و تماس های تلفنی

غم سنگین ما را -

با مهربانی -

سبک کردند؛

از بزرگان دانش و خرد و اندیشه و هنر،

از مدیران و سازمان دهندگان کشور

از سازندگان گرانقدر این سرزمین

از همه دوستان، بستگان و آشنایان

متشکریم.

* "زنده" باشی،

که زندگانی من

در گرو سرزندگی توست.

* برای

سرور

که به گرد پای محبت هایش هم نتوان رسید؛
دلی شاد،
لبی خندان
چهره ای باز
قامتی افراشته
آرزو می کنم.

* فروغ چشم هایت را،
تبسم لب هایت را،
لطفات نگاهت را
شیرینی کلامت را.
پرباری اندیشه ات را -
در شکوه راه بردن زندگی
می ستایم.

* برای مژگان،
و گلدان خانواده اش
آینده ای به زیبایی درون او،
و شکوفایی بیرونش،
آرزو می کنم.

* برای
او

که
نرم خوبی اش را،
بُرداری اش را،
صفای درونش را،
گرمای وجودش را
همواره دوست داشته ام؛
ستوده ام.

* پروازتان را
در آسمان صاف
آوازتان را
در هوای آزاد
“پرنندگان عشق” -
آرزو دارم.

* با این امید
که دیدارِ گل روی تان
در سال آینده
بیشتر دست دهد.

* برای تان
افقی روشن،

بالی دور پرواز،
توانی فزاینده،
در راستای آن چه آرزو دارید
آرزو می کنم.

* برای تان
آینده ای به پرباری اندیشه تان،
به زلالی احساس تان
به بزرگی روح تان
آرزو دارم.

* آسمان
ستاره پر فروغ بخت بلندتان،
همواره "باز" باد.

* برای او که
"اندیشه" دیرک کرده است
"دل" چراغ زندگی.

* برای
شما
زندگی ای پرشور،

پرصفا،
پربار،
و برآورنده آرزوهای در دل مانده،
آرزو می کنم.

* همواره
پر بار باد
قلم پرتوان عزیز ما
با بارِ
عشق و
اندیشه و
شهامتِ بیان.

* منوچهر را باید
در سکوتش شناخت -
در مهربانی های
بی صدای
فروتانه اش.

* دیدارتان،
گفتارتان،
نگاه تان،

لبخندتان
آرامش و نشاط می آفریند؛
که همواره شکوفا باد.

* خانه تان
همواره
“خانه عشق” باد -
تا عاشقان بتوانند
همچنان
بر گرد وجودتان حلقه زنند.

* امیدوارم
مشعل به دست
همچنان
“امیر” ما بمانی
و امارتت پایدار.

* برای عزیزانی
که زندگی شان را
با آفتاب پیوند زده اند
روزگاری به بلندای آفتاب

زندگی ای به روشنایی خورشید
دلی به گرمای مهر
آرزو دارم.

* برای مشعل فروزانی
که از وجودش
برای
"نشر اندیشه"
مایه می گذارد.

* ستاره های درخشان
آسمان های بلند
"عشق و دلدادگی"
دایره زده اند
تا
دو دلداده را
در میان گیرند.

* برای عزیزی که
برپا دارنده چادر
تفاهم و دوستی ماست،

دلی سرشار از سرور
عمری به بلندای زمان
آرزو دارم.

* به آسیه که
آن چه به ارث چید،
به یادگار کاشت.

* پرندۀ کوچکی
که بر فراز اقیانوس می پرد
به مرغان ساحل
درس زندگی می دهد.
و تو ...
درس آموز
ساحلیان شده ای.

* یلدای عزیز
بنویس،
بنویس،
بنویس.

بخوان

بنویس،

بیندیش

بنویس،

پرس

بنویس.

بر آن چه

می بینی و

می پرسی و

می دانی و

می خواهی

بیندیش.

و شیرۀ جانت را،

همۀ وجودت را

به آبخار "قلم" سپار.

* برای او که

پای بر زمین دارد،

سر در آسمان،

چشم به افق

گامی استوار

گردنی فراز

دیده ای باز

آرزو دارم.

* زمین به پرواز آمد،

ستاره به رقص

خورشید چهره گشود،

“خانه” ات آغوش

تا تو

بر گونه های “مهر”

بوسه زنی.

* به جوان بسیار با استعداد و پرحسن نیتی

که همواره از دیدنش لذت برده ام.

* اشرف

نه در نام

که در آن چه انسان را

برتر می سازد

بر ما سر است -

در صفا،
در وفا،
در آرامش روان
در لبخند همیشگی.

* دل پرمهت
همواره شاد باد
لب خندانت
همواره خندان
دست دهنده ات
همواره باز
خانه ات
که خانه امید ماست
همواره با در باز - پذیرای عاشقان.

* پیوند پیوسته تان
پایدار باد.
تن تان پرتوان
لب تان پرخنده

گام تان استوار
راه تان پر صفا.

* آینده ای

به زیبایی احساس پاک شان،
به پرباری اندیشه های شان،
به روشنی دیدگاه های شان،
به پرفیایی رفتارشان
آرزو دارم.

* به آن کس

که

شور زندگی می آفریند،
شوق زیستن،
پرتو امید،
دل پایداری.

* بیش از نیم قرن

انسانی را ستوده ام
که مادر و مربی
و عاشق و معشوق

بچه ها بوده است -
دانشمند ارزشمند
سرکار خانم توران میرهادی را.

* برای خاندان پرمهر فولادی
آینده ای
با استحکام نامشان،
روشنی افکارشان
بلندی آرزوهای شان
آرزو می کنم.

* دست های گرم
برادر عزیزی را
که دستی پرمهر
در دست قلم به دستان دارد،
صمیمانه می فشارم.

* برای شبنم عزیز
دنیایی
به لطافت شبنم صبح
به طراوت گل شکوفا

به روانی چشمه کوهسار
به پرباری ابر بهار
آرزو می کنم.

* برای تو نوجوان برومند
آینده ای
به بلندای گیسوی خورشید،
به پهنای دامن آفتاب،
به گرمای پرتو مهر
آرزو دارم.

* برای عزیزی که
با دانش و خرد و امید و پایداری
راه فردا می جویند و
می پویند.

* کمک
به اندیشیدن،
به سرودن،
به نوشتن،
به خلق زیبایی ها

کار و زندگی و اعتقاد دایمی
عزیز ما بوده است.

* دست عزیزی را
که دست هنرمندان،
نویسندگان،
و متفکران را
می فشارد
از دور می فشارم.

* از لحظه ای که ناصرقلی را دیده ام
برایم درس آموز
محبت و گذشت و انسانیت،
بوده است -

من نیز،
کار و همکاری را
بهانه با او بودن کرده ام.
* دل نمی توانست "دل" باشد
اگر با پرتو محبت "غنی" نمی شد.
و تو

دل غنی شده ات را
در مشت گرفته ای

و ما

در پرتو آن
دست افشان،
پای کوبان.

* به دنبال چه هستی؟

زیبایی درونی توست.

آن را بپا

غبارروبی اش کن

به آب دل شستشویش ده

آن ماندنی است -

“پروین” همان است.

* به آرامش و استحکام و صفای وجود.

* پنجره های زندگی ام را گشودی -

آفتاب مهر آمد،

نور امید

پرتو حیات

آسمانِ زندگی ات

گشوده باد و پر ستاره -

پراز ستاره های بخت.

* چهره ات همواره شاد ماند

لبت خندان

دلت پرشور

قدت راست

گامت استوار.

* برای "پدر" بزرگواری

که پیوسته با احساس تر شده است.

آن چه را آرزو دارد، آرزو می کنم؛

دور هم بودن را.

* به قیافه

مهربان

آرام

و باصفا

که "دیوار"ها را
بر می دارد
و نهال "زندگی" را
در جای جای زمین های از یاد رفته
با "عشق" می کارد.
به علی عزیز.

* برای مینا و ابراهیم -
دو پرنده عشق -
پرواز بر فراز
آسمان های صاف را
آرزو می کنم.

* برای تان
دلی به گرمی مهر،
عمری به بلندی آفتاب،
راهی به روشنی خورشید
آرزو دارم.

* برای تو
آینده ای به بلندای یال خورشید،
به پهنای نور آفتاب،
به گرمای دل مهر

آرزو می کنم.

* آینده ای

به بلندای آرزوهای بلندش،

به پاکی قلب پاکش،

به درخشانی چشم درخشانش،

به شیرینی زبان شیرینش

آرزو دارم.

* طراوت همیشگی تان،

لبخند دائمی تان،

شادابی پرشورتان،

صفای درونی تان،

دیدار پیوسته تان،

آرزوی من است.

* برای ...

آینده ای

به پهنای گیتی،

به زلالی چشمه،

به روشنی آفتاب،
به بلندای آرزوهای شان
آرزو می کنم.

* امیدوارم
همواره
از "کار" لذت ببرید
از "بودن" راضی باشید.

* دست قلم به دستی
مثل تو را
که زیبایی های درون را
از نوک قلم جاری می کند
باید بوسید.

* برای تان
بال های باز باز -
باز از کران تا کرانه زندگی
برای پرواز

در آسمان های همهٔ زیبایی ها
آرزو داریم.

* آموزگار همیشهٔ من،
امیدوارم
باشید و
باشیم و
باشند
و چهرهٔ دوست داشتنی تان
خورشید محفل مان.

* آینده ای
به سرسبزی دشت های بهاری،
به زلالی چشمه های کوهساران
به طراوت شکوفه های صبح
آرزو دارم.

* چهرهٔ دوست داشتنی ات را،
دل پرمهرت را،
گام استوارت را
فروتنی بزرگوارانه ات را

دوست دارم،
می ستایم.

برای استاد گرانقدرم
اندیشمند و ارسته.

* برای عزیزی
که همواره
عزیزتر شده است -
برای آزیتا
که از نگاهش مهر می بارد،
از لبخندش زندگی.

* برای چهره ای
که نمی شود دوست نداشت؛
برای نویسنده و مدیر پر استعداد.

* برای عزیزی
که همه را عزیز می دارد
لبخندی همیشگی -
به پهنای گیتی

چهره ای باز
به روشنی آفتاب صبح
آرزو دارم.

* برای گلزار عزیز
زندگی ای
به گلزاری
گلزار دلش
آرزو دارم.

* خورشیدها بتابید،

بتابید

بر کلبه های در سایه افتاده ما.
زندگی آفتاب می خواهد -
پرتو مهر،
نور امید.